

---

رابطه سبک‌های تفکر با بهزیستی شخصی در  
دانش‌آموزان دختر متوسطه و پیش‌دانشگاهی شمال  
شهر تهران در سال تحصیلی ۸۸-۱۳۸۷

---

دکتر علیرضا آقا یوسفی\*

نسیم شریف\*\*

چکیده

هدف اصلی پژوهش حاضر تحلیل رابطه سبک‌های تفکر با بهزیستی شخصی بود. بدین منظور ۲۰۰ نفر از دانش‌آموزان با تکمیل مقیاس سبک‌های تفکر - بعد کارکرد (استرنبرگ و واگنر، ۱۹۹۱) و نشانگر بهزیستی شخصی مقیاس بزرگسالان (کامینز، ۲۰۰۵) در این پژوهش شرکت کردند. برای تحلیل آماری داده‌های پژوهش از شاخص‌ها و روش‌های آماری شامل میانگین، آزمون t، ضریب همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیون گام به گام استفاده شد. نتایج پژوهش نشان داد که بین سبک‌های تفکر قانونگذار و قضایی با بهزیستی شخصی همبستگی مثبت و رابطه معناداری وجود دارد، ولی نتایج رگرسیون نشان داد که سبک تفکر اجرایی پیش‌بینی کننده مناسبی برای بهزیستی نیست. در مجموع نتیجه گرفتیم با افزایش بهزیستی شخصی، دانش‌آموزان بیشتر به سبک‌های تفکر خلاق و تحلیل‌گر و کمتر به سبک تفکر اطاعت پذیر گرایش دارند.

کلیدواژه‌ها:

سبک‌های تفکر، بهزیستی شخصی، دانش‌آموز.

## مقدمه

در فرهنگ لغت وبستر<sup>۱</sup> واژه سبک به معنای رفتار شاخص و متمایز و شیوه عمل و اجراء آمده است. در اصطلاح تخصصی، سبک شناسی شیوه‌ای است که فرد اطلاعات را پردازش می‌کند و گویا نخستین بار این اصطلاح را روانشناسانی توسعه داده‌اند که در زمینه توانایی‌های حسی و حرکتی تحقیق می‌کرده‌اند. (استرنبرگ<sup>۲</sup>، ۱۳۸۱). واژه تفکر را می‌توان اندیشیدن، فکر کردن، تخیل، گمان کردن و تأمل کردن معنا کرد بدین ترتیب معنای لغوی اصطلاح "سبک تفکر"<sup>۳</sup> شیوه اندیشیدن، مدل فکرکردن و مانند اینهاست. گرچه از نظر اصطلاح شناسی میان نظریه پردازان در زمینه سبک تفکر اختلاف نظر وجود دارد، اما همگی در این باره اتفاق نظر دارند که افراد برای رمزگردانی (کدگذاری)، ذخیره و پردازش اطلاعات در ذهن، شیوه ثابت و متمایزی دارند که این شیوه مستقل از هوش است (اتکینسون<sup>۴</sup>، ۱۹۹۸). از سویی مفهوم سبکهای تفکر از دید زیست شناختی، ذهن، شخصیت، اعتماد به نفس در سطح خرد است و منشائی روانشناختی دارد (اسکیمودر<sup>۵</sup>، ۱۳۷۲). از سویی دیگر همراه با توسعه صنعت و فناوری و تحولات انسان در دنیای بسیار متغیر، بعدی اجتماعی-فرهنگی یافته و در سطحی کلان خود را بر جامعه شناسی تحمیل کرده است (پیر حسین لو، ۱۳۸۳).

رابرت استرنبرگ شیوه‌های متفاوت افراد را در پردازش اطلاعات، "سبکهای تفکر" نامگذاری کرده است. از نظر او سبک تفکر روش رجحان یافته تفکر است. سبک تفکر یک توانایی نیست، بلکه چگونگی استفاده فرد از توانایی‌های خود است. توانایی به "خوب از عهده کار برآمدن" اشاره دارد، در حالی که سبک به این امر که "فرد دوست دارد، چگونه کاری را انجام دهد" اشاره دارد. دو فرد با توانایی‌های یکسان ممکن است سبکهای متفاوتی داشته باشند. سبکهای متفاوت نه خوب هستند و نه بد، بلکه متفاوت‌اند. استرنبرگ در چهار چوب نظریه "خودگردانی ذهنی"<sup>۶</sup> "سیزده سبک تفکر اصلی یعنی تفکرهای قانونگذار، مجری،

- 
1. Webster
  2. Sternberg
  3. Thinking Style
  4. Atkinson
  5. Skimouder
  6. Mental self Government Theory

قضایی، کلی نگر، جزئی نگر، آزادیخواه، محافظه کار، مونارشی، آنارشی، الیگارشی، سلسله مراتبی، درونی و بیرونی را شناسایی کرده است که هر یک ویژگی و تعریف خاص خود را دارد (کاستلز<sup>۱</sup>، ۱۳۸۰). فرد دارای تفکر قانون گذار مایل است کارها را به شیوه مطلوب خود انجام دهد و خود تصمیم بگیرد که چه کاری را انجام دهد. بنابراین، خود رأی و خلاق است و چندان به حمایت اجتماعی اطرافیان نیاز ندارد. این سبک عملاً به خلاقیت می‌انجامد. یک فرد با سبک تفکر مجری بیشتر به تکالیفی علاقمند است که با آموزش‌های صریح و روشن همراه باشد. فرد دارای سبک تفکر قضایی بیشتر توجه خود را بر ارزیابی بازده فعالیت‌های دیگران متمرکز می‌کند. افراد با سبک تفکر کلی نگر به تصویر کلی یک موضوع توجه می‌کنند و بر عقاید انتزاعی متمرکز می‌شوند. در مقابل افراد با سبک تفکر جزئی نگر از انجام دادن تکالیفی لذت می‌برند که اجازه کار در ابعاد ویژه و اصلی یک موضوع و جزئیات عینی آنها را بدهد. افراد دارای سبک تفکر آزاد اندیش از انجام داده تکالیفی لذت می‌برند که تازگی و ابهام دارد در حالیکه افراد دارای سبک تفکر محافظه کار به رعایت قوانین و روش‌های موجود در انجام دادن تکلیف متمایل می‌باشند. یک فرد دارای سبک تفکر مونارشی از انجام دادن تکالیفی لذت می‌برد که به او اجازه می‌دهد در هر زمان صرفاً بر یک تکلیف به طور کامل متمرکز شود و افراد با سبک تفکر آنارشی بیشتر از انجام دادن تکالیفی لذت می‌برند که در خصوص "چه"، "کجا"، "کی" و "چگونه" انجام دادن تکلیف اختیار لازم را داشته باشند و فرد با سبک تفکر الیگارشی تمایل دارد در همان محدوده زمانی درباره چند تکلیف کار کند، بدون اینکه هیچ اولویتی قائل شود و فرد دارای سبک تفکر سلسله مراتبی ترجیح می‌دهد توجه خود را بین چند تکلیف اولویت بندی شده توزیع کند (استرنبرگ، ۱۹۹۸، ژانگ<sup>۲</sup>، ۲۰۰۴). افراد دارای سبک تفکر درونی به درون توجه می‌کند و به کناره گیری از دیگران و ناآگاهی اجتماعی گرایش دارد. درون گرایان به استقلال و تنهایی علاقه‌مند هستند (گلدبرگ، ۱۹۹۲). این اشخاص مستعد عاطفه عمیق هستند، ولی از نشان دادن علنی آن خودداری می‌کنند. بنابراین، عواطف خود را معطوف به درون می‌کنند و به حمایت اجتماعی توسط اطرافیان متوجه نمی‌شوند؛ افراد دارای سبک تفکر بیرونی حساسیت اجتماعی دارند و با توجه به موقعیت و

1 . Castlez

2. Zhang

پس از ارزیابی بهینه از آن واکنش نشان می‌دهند (استرنبرگ، ۱۹۹۶؛ به نقل از هییتی، ۱۳۸۱). رابطه سبک‌های تفکر با متغیرهای متعددی بررسی شده است. ژانگ پژوهش‌های متعددی را پیرامون سبک‌های تفکر انجام داده است. ژانگ (۲۰۰۲) نشان داد که سبک‌های تفکر و رشد شناختی به هم وابسته هستند و هر چقدر رشد شناختی بیشتر باشد فرد به استفاده از طیف وسیع‌تری از سبک‌های تفکر گرایش دارد. همچنین ژانگ (۲۰۰۲) نشان داد که بین سبک‌های تفکر و صفات شخصیتی براساس پرسشنامه پنج عاملی بزرگ شخصیت تفاوت وجود دارد. جیتتر<sup>۱</sup> و همکاران (۱۹۹۲) در پژوهشی نشان دادند که به طور کلی همه ابعاد سبک‌های تفکر از جمله قانون‌گذار، قضایی، کلی، جزئی، درونی و برونی و حفظ این سبک‌ها برای سازماندهی موقعیت‌ها در آینده با سلامت و بهزیستی شخصی و عمومی افراد رابطه معناداری دارد و همچنین در پژوهشی دیگر نشان داده شد برای ارتقاء بهزیستی عمومی نیاز به درک و تغییر مناسب ساختارها و سبک‌های تفکر افراد وجود دارد (لسچو<sup>۲</sup> و همکاران، ۲۰۰۸). و نیز در پژوهشی دیگر بوی<sup>۳</sup> (۲۰۰۵) نشان داد که چگونگی استفاده از ساختارهای تفکر با بهزیستی و سلامتی اجتماعی به طور معنادار مرتبط است. در پژوهشی دیگر نشان داده شد بین سبک تفکر اجرایی با بهزیستی و سلامت افراد همبستگی مثبت وجود دارد و همچنین تفکر اجرایی بهبود عملکرد شناختی و کاهش پرخاشگری در افراد را باعث می‌شود (پاسکال و فیش‌بین<sup>۴</sup>، ۲۰۰۲). چن<sup>۵</sup> (۲۰۰۶) در پژوهشی نشان داد نحوه تفکر افراد به صورت خلاق و قانونگذار بر بهزیستی شخصی آنها تأثیر دارد و در پژوهشی دیگر نشان داده شد که بین سبک تفکر قضایی با بهزیستی رابطه معنادار و بین سبک تفکر اجرایی با بهزیستی و سلامتی افراد رابطه معناداری وجود ندارد (فیور<sup>۶</sup>، ۱۹۹۹).

پژوهش‌های گوناگون نشان داده‌اند که سبک‌های تفکر با فرآیندهای خلاقیت، حل مسأله، تصمیم‌گیری، پیشرفت تحصیلی و... مرتبط است و عواملی مانند فرهنگ، جنسیت، سن، رشته تحصیلی، سابقه کار، سبک‌های تفکر والدین و... سبک‌های تفکر افراد را تحت تأثیر قرار می‌دهند

- 
1. Ginter
  2. Leischow
  3. Boody
  4. Paschall & Fishbein
  5. Chen
  6. Feuer

(امامی پور و سیف، ۱۳۸۲). یافته‌های جودی ونگ<sup>۱</sup> (۱۹۹۹) در پژوهش "مطالعه تعاملی سبک‌های تفکر دانش‌آموزان و معلمان در امر آموزشی" نشان داده است که تفاوت معناداری بین سبک‌های تفکر قانون‌گرا، کلی‌گرا، آزاد‌منشانه، جزئی‌نگر و محافظه‌کارانه معلمان زن و مرد (جنسیت) وجود ندارد. به گونه‌ای که معلمان زن قانون‌گرا، جزئی‌نگر و محافظه‌کار و در مقابل آن، معلمان مرد آزاد‌منش و کلی‌گرا بوده‌اند؛ همانند نتیجه‌ای که یاری گرفته است (یاری، ۱۳۷۸). نتیجه تحقیق جودی ونگ درباره دانش‌آموزان نشان داد سبک تفکر پسران بیشتر آزاد‌منشانه و کلی‌گرایانه و سبک تفکر دختران بیشتر قانون‌گرایانه، قضاوت‌گرا و محافظه‌کارانه بود. اسمیت<sup>۲</sup> (۲۰۰۱) در مقاله‌ای با عنوان "سبک‌های تفکر نظریه - عمل در مهندسی و علم" دانش را در حکم عنصری از سبک‌های تفکر توصیف می‌کند که سازنده مجموعه‌های تفکر است. اسمیت مدعی است نظریه تفکر مطرح شده در مقاله او راهی میان بر بین دو حالت افراطی عینی و ذهنی، در سه جنبه مهم آنها در برخورد با مطالعه سبک‌های تفکر است. لی فنگ<sup>۳</sup> (۲۰۰۴) به این نتایج رسیده که افراد متهور و اجتماعی سبک تفکر برون‌گرایانه داشته و افراد هنرگرا تفکری داشته‌اند که مستلزم هم‌رنگی با دیگران نبوده است.

لی فنگ در پژوهش دیگر خود، بین یادگیری و تفکر تحلیلی، همبستگی معنادار مثبت، اما با تفکر کلی‌نگر همبستگی منفی معنادار یافته است (لی فنگ، ۲۰۰۴). نتیجه گیری‌های فنگ با یافته‌های استنبرگ همسویی دارد، زیرا استنبرگ به این نتیجه رسیده بود که قاعده کلی و عام در زمینه ارتباط بین سبک‌های تفکر و عوامل مؤثر بر آن نمی‌تواند وجود داشته باشد (استنبرگ، ۱۹۹۷). بهزیستی شخصی، شاید یک مفهوم مرکزی مطابق با عقیده رایج اشخاص یا اندیشه عمیق افراد از رضایتمندی عمومی زندگی خود، احساسات مثبت و فقدان احساسات منفی باشد (داینر<sup>۴</sup>، ۱۹۹۹). اولین جزء آن قضاوت شناختی را شامل می‌شود؛ درباره اینکه چطور افراد در زندگی خود در حال پیشرفت هستند در صورتی که دومین جزء سطح تجربه‌های خوشایند را در بر می‌گیرد. بهزیستی شخصی حامل یک علامت ذهنی بر عکس شیوه‌های معین اخلاقیات ارسطو در پیشرفت بالقوه انسانی است، که ما همه درکی از آن داریم. شیوه‌های ذهنی به افراد

- 
1. Judy Weng
  2. Schmid
  3. Li-Fang
  4. Diener

اجازه می‌دهد قضاوت کنند که چطور در زندگی خود مطابق با آنچه خود آنها مهم می‌دانند برای دست یافتن به خرسندی و خشنودی در حال پیشرفت هستند. این بسیار قاطع است که بپنداریم سطح تجربه‌های خوشایند فقط یک جزء، از بهزیستی شخصی می‌باشد و زاویه مکمل آن بازتابنده و تأیید کننده فعالی است که رضایتمندی از زندگی نامیده می‌شود. بنابراین، بهزیستی شخصی هم تجربه و هم روش و رفتار را در برمی‌گیرد (جرونن<sup>۱</sup>، ۲۰۰۵). به عبارت دیگر بهزیستی شخصی جزء روان‌شناختی کیفیت زندگی است و به عنوان درک افراد از زندگی خود در حیطه رفتارهای هیجانی و عملکردهای روانی و ابعاد سلامت روانی تعریف شده است. تحقیقات درباره بهزیستی شخصی قلمروهایی از شخصیت، انگیزش و عامل‌های شناختی (درک کنترل، اعتماد به نفس، نیک بینی) را نشان داده است که همه این عوامل در رضایتمندی افراد از زندگی مشارکت دارند. کامینز<sup>۲</sup> معتقد است که بهزیستی شخصی هفت قلمرو مهم دارد که این موارد را شامل است: ۱- استانداردهای زندگی، ۲- سلامت، ۳- موفقیت در زندگی، ۴- ایمنی، ۵- نسبت خویشی، ۶- تعاملات اجتماعی و ۷- آینده ایمن، این قلمروهای با ارزش در فهم روانی و فیزیکی از افراد و شناسایی اجزاء بهزیستی شخصی عمومی مشارکت دارند (استپلز<sup>۳</sup>، ۲۰۰۴). بهزیستی شخصی بیان می‌کند افراد چه احساسی از خود دارند که پاسخهای هیجانی افراد، رضایتمندی از زندگی و قضاوت درباره کیفیت زندگی را شامل می‌باشد بهزیستی شخصی اندازه‌گیری از شناخت (رضایتمندی) و احساسات (احساسات مثبت) را در بر می‌گیرد جزء شناختی بهزیستی شخصی دو سبک را توصیف می‌کند: ۱- رضایتمندی در زندگی ۲- کیفیت زندگی شخصی (کینگ<sup>۴</sup>، ۲۰۰۱).

بهزیستی شخصی ساختاری مهم است که در سطح پایین به افسردگی و انزوای اجتماعی منجر می‌شود و فقدان احساس رضایت و اعتماد به نفس و احساس اراده یا هدف در زندگی را باعث می‌شود و سلامت روانی و فیزیکی را کاهش می‌دهد. (کینگ، ۲۰۰۱). مطالعات نشان داده است که کاهش بهزیستی شخصی و نشانه‌های افسردگی شدید به طور نزدیک با هم ارتباط دارند. افزایش بهزیستی شخصی نشانه‌های افسردگی شدید را کاهش می‌دهد و اگر نمره

- 
1. Joronen
  2. Cummins
  3. Staples
  4. King

بهزیستی شخصی پایین باشد با نشانه‌های افسردگی شدید ارتباط دارد (داوی<sup>۱</sup>، ۲۰۰۴).  
 داورن<sup>۲</sup> (۲۰۰۴) در پژوهشی بهزیستی شخصی و ساختار مؤثر آن را بررسی کرده است  
 طبق نتایج این پژوهش بین رضایتمندی از زندگی و ناخرسندی از زندگی هنگامی که بر اساس  
 مقیاس مستقل پاسخهای یک قطبی ارزیابی شده بودند همبستگی منفی بالایی وجود داشته  
 است.

تعدادی مطالعات نشان می‌دهد که بین اعتماد به نفس و بهزیستی شخصی ارتباطی مثبت و  
 بین اعتماد به نفس و روان رنجوری ارتباطی منفی وجود دارد. هر چقدر اعتماد به نفس بالاتر  
 باشد بهزیستی شخصی بالاتر است و هر چقدر اعتماد به نفس کمتر باشد روان رنجوری بیشتر  
 می‌شود و بهزیستی شخصی کاهش می‌یابد (براون<sup>۳</sup> و همکاران، ۱۹۸۶). در پژوهشی دیگر  
 نشان داده شده است که بین بهزیستی شخصی و مقیاسهای گوناگون اجتماعی از قبیل وضعیت  
 مالی، کیفیت سلامتی فرد، رویدادهای زندگی، ساختار ارتباطات خانوادگی و اهداف زندگی  
 رابطه وجود دارد (جرونن، ۲۰۰۵ و چاین<sup>۴</sup>، ۲۰۰۴). یولیانندو<sup>۵</sup> (۲۰۰۴) در پژوهشی نشان داد  
 که بین عوامل پیش بینی کننده بهزیستی شخصی و بین فعالیتهای اجتماعی روزانه با بهزیستی  
 شخصی رابطه وجود دارد. در پژوهشی دیگر ابعاد بهزیستی شخصی در دانشجویان بررسی شد  
 که نتایج این پژوهش نشان داد بهزیستی دانشجویان، از لحاظ بهزیستی شخصی ابعاد  
 جداگانه‌ای دارد و همچنین بین بهزیستی شخصی و عوامل عمومی با واریانس در رضایتمندی  
 در زندگی تناسب وجود دارد (اکنر<sup>۶</sup>، ۱۹۹۳).

سبکهای تفکر و بهزیستی شخصی می‌توانند برای سازش یافتگی چهارچوب مناسبی داشته  
 باشند و به علت اهمیت این موضوع محققان و صاحب نظران مطالعات و تحقیقاتی در خارج  
 از کشور در این زمینه داشته‌اند، ولی تا به حال پژوهشی در این زمینه در داخل کشور انجام  
 نشده است. از آنجایی که یکی از مسائل اساسی آموزش و پرورش در عصر حاضر، چگونگی  
 تربیت دانش‌آموزان به گونه‌ای است که سبک تفکر آنها با شرایط پیچیده و بسیار متغیر دنیای

- 
1. Davey
  2. Davern
  3. Brown
  4. Schayns
  5. Uliondo
  6. O'conor

امروز و شرایط پرچالش آینده متناسب و هماهنگ باشد و نیز بتوان به دانش‌آموزان کمک کرد که کارکردهای سبکهای تفکر را طوری به کار ببرند که بازدارنده تغییرات باشند و با به کارگیری مناسب کارکردهای سبکهای تفکر در زندگی اجتماعی یا با هماهنگ کردن آنها با توانایی‌های خود، بتوانند بر مشکلات فائق آمده و از قابلیت‌های خود حداکثر بهره را ببرند که نهایتاً این امر بر بهزیستی شخصی دانش‌آموزان اثر بسزایی داشته باشد و نیز از سوی دیگر چون آشنایی با کارکردهای سبکهای تفکر و بهزیستی شخصی و نوع ارتباط و تأثیرگذاری آنها بر هم می‌تواند به بهسازی و اعتلای نظام آموزش و پرورش ما منجر شود. در این راستا در این پژوهش به طور تجربی رابطه بین کارکردهای سبکهای تفکر و بهزیستی شخصی در دانش‌آموزان بررسی شده است. اهمیت نظری این پژوهش در حیطه زمینه‌شناسی مرزهای مشترک بین کارکردهای سبکهای تفکر و بهزیستی شخصی در دانش‌آموزان می‌باشد. در واقع شناسایی این مرزهای مشترک باید مد نظر باشد تا به علم و دانش‌آموزان کمک شود. بسیاری از دانش‌آموزانی که ما در کلاس ضعیف قلمداد می‌کنیم توانایی مؤفق شدن را ندارند. یکی از مواردی که شکست آنها را باعث می‌شود این است که ما از درک تنوع سبکهای تفکر آنها عاجز هستیم و به شیوه‌هایی آنها را آموزش می‌دهیم که با سبک تفکر آنها متناسب نیست. شناخت کارکردهای سبکهای تفکر دانش‌آموزان و درک ارتباط بین آنها با عواملی چون بهزیستی شخصی، پیشرفت تحصیلی، سن، جنسیت و غیره از منظر روانشناسی اهمیت دارد. از طرفی دیگر یکی از مسائل اساسی آموزش و پرورش در عصر حاضر چگونگی تربیت دانش‌آموزان به گونه‌ای است که سبک تفکر آنها با شرایط پیچیده و بسیار متغیر دنیای امروز و شرایط پرچالش آینده متناسب و هماهنگ باشد که بتواند بر کیفیت زندگی و بهزیستی شخصی دانش‌آموزان اثر مطلوب و بسزایی داشته باشد. بنابراین، اهمیت عملی این پژوهش معرفی ابعاد کارکردی سبکهای تفکر و نیز نشان‌دهنده بهزیستی شخصی به کارشناسان شاغل در سازمان آموزش و پرورش، سازمان بهزیستی و کلینیکهای روانشناختی است تا کارشناسان شاغل در این واحدها قادر باشد زمینه رشد اشکال خلاق و پیچیده سبک تفکر را در دانش‌آموزان به وجود آورند. بدون تردید اگر معلمان و کارشناسان استفاده از ابعاد خلاق و پیچیده سبک تفکر را تشویق و ترغیب کنند، دانش‌آموزان احساس خودارزشی و اعتماد به نفس بیشتر و نهایتاً بهزیستی شخصی بالاتری خواهند داشت.



و نیز همان‌طور که اشاره شد امروزه رشد، پرورش و ارزشیابی سبک‌های تفکر به خصوص کارکردهای تفکر از اساسی‌ترین اهداف تعلیم و تربیت است و یکی از مباحث مورد توجه در بحث سبک‌های تفکر کارکردهای آن است که جایگاه خاصی را به خود اختصاص داده است. بنابراین، مبانی نظری فرضیه‌های این پژوهش را از بین ۱۳ سبک عنوان شده در راستای کارکردهای سبک‌های تفکر قرار داده‌ایم، که اجرایی یا اطاعت‌پذیر، خلاق یا قانونگذار و قضایی یا تحلیل‌گر را شامل است، و هدف کلی پژوهش حاضر رابطه سبک‌های تفکر- بعد کارکرد با بهزیستی شخصی در دانش‌آموزان دختر متوسطه و پیش‌دانشگاهی شمال شهر تهران است. و این کار با بررسی نحوه توزیع هر یک از سبک‌های تفکر سه‌گانه همچنین رابطه آن با بهزیستی شخصی انجام شده است.

بر اساس آنچه گفته شد، فرضیات زیر طبقه‌بندی شده است:

۱. بین سبک تفکر اجرایی دانش‌آموزان با بهزیستی شخصی آنها همبستگی منفی و معنادار وجود دارد.
۲. بین سبک تفکر خلاق دانش‌آموزان با بهزیستی شخصی آنها همبستگی مثبت و معنادار وجود دارد.
۳. بین سبک تفکر تحلیل‌گرانه دانش‌آموزان با بهزیستی شخصی آنها همبستگی مثبت و معنادار وجود دارد.

## روش پژوهش

### جامعه، نمونه و روش نمونه‌گیری

در پژوهش حاضر به منظور کشف روابط بین متغیرها از روش تحقیق همبستگی استفاده شده است. جامعه آماری پژوهش همه دانش‌آموزان دختر سه پایه اول و دوم و سوم دبیرستانی و نیز پایه پیش‌دانشگاهی مدارس غیرانتفاعی روزانه شمال شهر تهران (مناطق ۱ و ۲ و ۳) را شامل بود که در سال تحصیلی ۸۸-۱۳۸۷ رسماً ثبت نام کرده و به صورت حضوری مشغول به تحصیل بودند. دسترسی راحت به این مناطق و داشتن محیط نسبتاً مرفه دور از مرکز شهر دلیل انتخاب مدارس غیرانتفاعی شمال شهر تهران بود. جامعه آماری این پژوهش ۴۱۶ دانش‌آموز دختر را شامل بود که از این تعداد ۲۰۰ دانش‌آموز به عنوان نمونه انتخاب و آزمون

شدند. نمونه‌گیری به صورت خوشه‌ای چند مرحله‌ای انجام شد به این ترتیب که ابتدا منطقه ۳ از بین مناطق شمال شهر تهران به تصادف و به دلیل تقریباً برابر بودن تعداد دانش‌آموزان دختر، مقطع متوسطه و پیش‌دانشگاهی انتخاب شد و سپس تعدادی مدارس به تصادف از بین مدارس منطقه ۳ انتخاب و پرسشنامه‌ها در میان ۱۰۰ دانش‌آموز دختر دبیرستانی و ۱۰۰ دانش‌آموز دختر پیش‌دانشگاهی اجرا شد. برای تحلیل داده‌های آن از شاخص‌ها و روش‌های آماری شامل فراوانی، درصد، میانگین، نما، آزمون  $t$ ، ضریب همبستگی و تحلیل رگرسیون گام به گام استفاده شده است.

## ابزار پژوهش

### الف - مقیاس سبکهای تفکر (بعد کارکرد) و روایی و پایایی آن

پرسشنامه سبکهای تفکر (بعد کارکرد) مشتمل بر ۲۴ سؤال (هر خرده‌آزمون با ۸ گویه) بوده و این ۳ سبک هر کدام یک خرده‌آزمون یا یک سبک تفکر را تشکیل می‌دهد این مقیاس به شکل طیف لیکرت ۷ گزینه‌ای: بسیار زیاد (نمره ۷)، زیاد (نمره ۶)، نسبتاً زیاد (نمره ۵)، نسبتاً کم (نمره ۴)، کم (نمره ۳)، بسیار کم (نمره ۲) و اصلاً (نمره ۱) طراحی شده است. مجموع نمره ۸ عبارت برای هر خرده‌آزمون محاسبه و بر ۸ تقسیم می‌شود تا نمره هر خرده‌آزمون یا یک سبک تفکر به دست آید. پایایی پرسشنامه استاندارد سبکهای تفکر اجرایی (اطاعت‌پذیر)، مجری و قضایی (تحلیل‌گر)، قانونگذارانه (خلاق) و کل پرسشنامه به ترتیب ۰/۶۷، ۰/۶۵، ۰/۶۱ و ۰/۸۳ به دست آمده است (اکبرزاده، ۱۳۸۵). و مهدوی راد (۱۳۸۱) در مطالعه خود در میان دانش‌آموزان سوم متوسطه رشته هنر ضرایب پایایی را برای سبکهای اجرایی، قضایی و قانونگذارانه به ترتیب ۰/۶۳، ۰/۶۶، و ۰/۶۰ گزارش داده است. فرخی (۱۳۸۳) آلفای کرونباخ را برای تعیین ضرایب پایایی محاسبه کرده است و برای سبکهای اجرایی، قضایی و قانونگذارانه به ترتیب ۰/۶۴، ۰/۶۱ و ۰/۵۴ و برای کل ۲۴ سؤال ۰/۷۷ به دست آورده است که همگی در سطح ۰/۰۵ معنی‌دار بوده است. و نیز ضریب پایایی گزارش شده از سوی استنبرگ برای مقیاس سبکهای تفکر برابر ۰/۸۰ بوده است و از لحاظ روایی، میزان روایی پرسشنامه سبکهای تفکر با استفاده از روش روایی محتوا و با استفاده از نظر متخصصان مورد تأیید ۰/۸۳ محاسبه شده است (اکبرزاده، ۱۳۸۵). میزان پایایی به دست

آمده این مقیاس در این پژوهش از طریق ضریب آلفای کرونباخ برابر ۰/۹۴ بوده است. و در ارتباط با اختلاف فاحش بین میزان پایایی به دست آمده در این پژوهش با سایر پژوهشها که به ذهن متبادر می‌شود، می‌تواند از عواملی همچون آزمودنی یا شرایط اجتماعی فرهنگی و خانوادگی دانش‌آموزان، خصوصیات شخصیتی و حالات روانی و خلقی آزمودنی‌ها در حین اجرای تست تأثیر پذیرفته باشد. البته عامل جنس و سن را هم نباید از نظر دور داشت.

### ب- نشانگر بهزیستی شخصی - مقیاس بزرگسالان

در جهت تعیین رابطه بهزیستی روانی بزرگسالان است. این نشانگر در برگرفته هفت آیتم رضایتمندی از زندگی و هشت سؤال در دو بخش را شامل است که بخش اول عبارت است از: رویهم رفته چقدر از زندگیتان راضی هستید؟ و بخش دوم عبارت است از: ۱- استانداردها و شرایط زندگی، ۲- تندرستی، ۳- آنچه در زندگی به دست آمده است، ۴- روابط با دیگران، ۵- امنیت و آرامش در زندگی، ۶- بستگی و عضویت در میان دیگران و ۷- امنیت در آینده (کامینز، ۲۰۰۵). سؤالات این نشانگر از لحاظ روایی رابطه آن ۷۸٪ با سطح مقیاس رضایتمندی و از لحاظ پایایی طبق ۱۲ تحقیق انجام شده در استرالیا حداکثر تغییرات آن ۳/۱ درصد بهزیستی شخصی بوده است و ضریب آلفای کرونباخ بین ۷۰٪ تا ۸۵٪ در استرالیا و سایر اقصی نقاط جهان مشاهده شده است. همبستگی بین سؤالات ۳۰٪ تا ۵۵٪ و مجموع همبستگی سؤالات حداقل ۵۰٪ گزارش شده است (کامینز، ۲۰۰۵). در ایران برآورد پایایی و روایی نشانگر بهزیستی شخصی - مقیاس بزرگسالان در پژوهشی در سال ۱۳۸۴ در میان همسران ایثارگران انجام شده است که پایایی این نشانگر از طریق ضریب آلفای کرونباخ برابر ۰/۸۴۵ بوده است و روایی هم‌زمان آن ۰/۵۲ با احتمال خطای ۰/۰۰۱ برآورد شده است (آقایوسفی، ۱۳۸۴). همچنین در پژوهشی دیگر به برآورد پایایی و روایی این نشانگر در میان مادران کودکان عقب مانده ذهنی برآورد شده که این نشانگر با ضریب آلفای کرونباخ ۰/۸۶۶ پایا و همچنین در بررسی روایی میزان R2 برابر ۰/۶۱۳ گزارش شده است (آقا یوسفی و شریف، ۱۳۸۵). میزان پایایی این نشانگر در این پژوهش از طریق ضریب آلفای کرونباخ برابر ۰/۸۸۵ و در بررسی روایی میزان R2 ۰/۸۲۴ بوده است.

## روش اجرا

پرسشنامه‌ها پس از نهایی شدن به تعداد لازم (۲۲۰ مورد) تکثیر و پس از اخذ گواهی اجرای پژوهش از آموزش و پرورش منطقه ۳ تهران به مدارس مورد بررسی منطقه ۳ تهران مراجعه و پرسشنامه‌ها توزیع شد. سرانجام پس از ۴۰ روز پرسشنامه‌های تکمیل شده گردآوری شدند.

پس از حذف ۲۰ پرسشنامه ناقص و کد گذاری آنها، تحلیل داده‌ها با بهره‌گیری از آماره‌های توصیفی و استنباطی انجام شده است.

## یافته‌های پژوهش

### الف) توصیف داده‌ها

#### ۱- سبک‌های تفکر

جدول ۱، خلاصه‌ای از توزیع آماری میانگین نمرات ۳ سبک تفکر اجرایی (اطاعت پذیر)، قانونگذار (خلاق)، مجری و قضایی (تحلیل گر) را در دختران نشان می‌دهد. در دامنه نمرات کمترین عدد مربوط به «تفکر قضایی - تحلیل گر» با میانگین ۵/۶۴۵ و نمای ۵/۸۷ و بیشترین نمره متعلق به «تفکر قانونگذار - خلاق» با نمره میانگین ۵/۸۰۰ و نمره نمای ۶/۲۵ در کل افراد مورد بررسی، بیان‌کننده این است که کل مطالعه شونندگان، بیشتر به تفکر قانونگذار - خلاق گرایش داشته و کمتر به تفکر قضایی - تحلیل گر تمایل داشته‌اند.

جدول ۱: توزیع میانگین‌های نمرات سبک‌های تفکر دختران و کل دانش‌آموزان مورد مطالعه

سبک‌های تفکر			
اجرایی (اطاعت پذیر)	قضایی (تحلیل گر)	قانونگذار (خلاق)	
۵/۶۷۱	۵/۶۴۵	۵/۸۰۰	میانگین
۶/۰۰	۵/۸۷	۶/۲۵	نما
۱۱۳۴/۳۷	۱۱۲۹/۰۰	۱۱۶۰/۰۶	کل

با توجه به میانگین‌های نمرات هر یک از سبک‌های تفکر؛ کل دانش‌آموزان دختر به ترتیب و از نمره بزرگ به کوچک دارای تفکر قانونگذار (۱۱۶۰/۰۶)، تفکر اجرایی (۱۱۳۴/۳۷) و

قضایی (۱۱۲۹/۰۰) بوده‌اند. به عبارت دیگر دانش‌آموزان، از یک سو گرایش قانونگذار داشته‌اند که مستلزم خلاق بودن است و از سوی دیگر از نظر تفکر اجرایی اطاعت پذیر بوده‌اند.

## ۲- سن

با توجه به جدول ۲ مشاهده می‌شود که تقریباً اکثریت دانش‌آموزان ۱۶-۱۸ ساله بوده‌اند (۷۳/۰ درصد آنها) و عده جالب توجهی، ۴۷ دانش‌آموز، ۱۵ ساله و کمتر بوده‌اند (۲۳/۵ درصد آنها) و ۷ دانش‌آموز ۱۹ ساله و بالاتر بوده‌اند که احتمالاً می‌تواند نشانه افت تحصیلی (مردودی، تکرار پایه، مشروطی و...) باشد. همچنین میانگین سنی مطالعه شوندگان با ۰/۰۹۵ سال خطای معیار از میانگین، برابر با ۱۷ سال و نمای سنی ۱۸ سال بوده است. جوانترین دانش‌آموز ۱۵ سال و مسن‌ترین آنها ۲۱ سال داشته است.

جدول ۲: توزیع سنی دانش‌آموزان مورد مطالعه به تفکیک گروه‌های سنی

گروه‌های سنی	فراوانی	درصد
۱۵ سال و کمتر	۴۷	۲۳/۵
۱۶ تا ۱۸ سال	۱۴۷	۷۳/۰
۱۹ سال و بالاتر	۷	۳/۵

## (ب) آزمون فرضیات

### رابطه سبک‌های تفکر و بهزیستی شخصی

برای پاسخگویی به پرسش اصلی پژوهش که "بین سبک‌های تفکر با بهزیستی شخصی چه رابطه‌ای وجود دارد؟" سه فرضیه تنظیم شده بود. در جدول ۳ نتایج آزمون پیرسون ارائه شده است. نتایج این جدول نشان می‌دهد که بین سبک تفکر قضایی با بهزیستی شخصی و سبک تفکر قانونگذار با بهزیستی شخصی همبستگی مثبت و معناداری وجود دارد ( $P < 0/01$ ). به این معنا دانش‌آموزانی که از سبک تفکر قضایی و قانونگذار بهره می‌گیرند بهزیستی شخصی بالاتری دارند. که این یافته‌ها، فرضیه‌های دوم و سوم پژوهش را تأیید می‌کند. و نیز بر اساس نتایج رابطه بین سبک تفکر اجرایی با بهزیستی شخصی معنادار نیست و فرضیه اول پژوهش تأیید نمی‌شود.

جدول ۳: ضرایب همبستگی پیرسون بین سبکهای تفکر دانش‌آموزان با بهزیستی شخصی آنها

سبک تفکر اجرایی	سبک تفکر قضایی	سبک تفکر قانونگذار	بهزیستی شخصی
سبک تفکر اجرایی	۱		
سبک تفکر قضایی	**۰/۹۳۴(۰/۰۰۱)	۱	
سبک تفکر قانونگذار	**۰/۸۷۸(۰/۰۰۱)	**۰/۸۵۱(۰/۰۰۱)	۱
بهزیستی شخصی	۰/۰۸۷ (۰/۵۰۱)	**۰/۷۸۱(۰/۰۰۱)	**۰/۸۵۵(۰/۰۰۱)

\*\* P < ۰/۰۱

با توجه به آنچه اشاره شد، رابطه سبکهای تفکر اجرایی، قانونگذار و قضایی با بهزیستی شخصی در معادله رگرسیون گام به گام تحلیل شد. نتایج تحلیل واریانس و مشخصه‌های آماری رگرسیون گام به گام بین سه سبک تفکر با بهزیستی شخصی در جدول ۴ و ۵ ارائه شده است. بر اساس این نتایج، ۷۳٪ واریانس مربوط به بهزیستی شخصی به وسیله متغیر سبک تفکر قانونگذار تبیین می‌شود ( $R^2 = ۰/۷۳$ ). همچنین ضریب رگرسیون پیش بین نشان می‌دهد سبک تفکر قانونگذارانه می‌تواند واریانس بهزیستی شخصی دانش‌آموزان را به طور معنادار تبیین کند و ضریب تأثیر سبک تفکر قانونگذار ( $\beta = ۰/۸۵۵$ ) با توجه به آماره  $t$  نشان می‌دهد که این متغیر با اطمینان ۹۹٪ می‌تواند تغییرات مربوط به بهزیستی شخصی را پیش بینی کند. یعنی افزایش و کارآمدی بیشتر در سبک تفکر قانونگذار افزایش بهزیستی شخصی را باعث می‌شود. همچنین بر اساس نتایج، ۶۵٪ واریانس مربوط به بهزیستی شخصی به وسیله متغیر سبک تفکر قضایی تبیین می‌شود ( $R^2 = ۰/۶۵$ ). ضریب تأثیر سبک تفکر قضایی ( $\beta = ۰/۸۰۷$ ) با توجه به آماره  $t$  نشان می‌دهد که این متغیر با اطمینان ۹۹٪ می‌تواند تغییرات مربوط به بهزیستی شخصی را پیش بینی کند. یعنی افزایش و کارآمدی بیشتر در سبک تفکر قضایی افزایش بهزیستی شخصی را باعث می‌شود. ولی ضریب رگرسیون پیش بین نشان می‌دهد سبک تفکر اجرایی نمی‌تواند واریانس بهزیستی دانش‌آموزان را به طور معنادار تبیین کند. زیرا سطح معناداری از عدد ۰/۰۱ بیشتر است ( $\text{sig} > ۰/۰۱$ ) و افزایش و کارآمدی بیشتر در اطاعت پذیری افزایش بهزیستی شخصی را باعث نمی‌شود. در نهایت نتیجه می‌گیریم که بین سبک تفکر قانونگذار و قضایی با بهزیستی شخصی همبستگی مثبت و رابطه معناداری وجود دارد، ولی رابطه بین سبک تفکر اجرایی با بهزیستی شخصی معنادار نیست. با مقایسه سبکهای تفکر می‌توان گفت که همه دانش‌آموزان از نظر گرایش خلاق و تحلیل‌گر و کمتر مجری و مطیع بوده‌اند.

جدول ۴: خلاصه مدل رگرسیون گام به گام، تحلیل واریانس و مشخصه‌های آماری

SE	R2	R	sig	F	MS	DF	SS	گام منبع تغییرات
۱۲/۵۹۹۵۴	۰/۷۳۱	۰/۸۵۵	۰/۰۰۱	۵۳۸/۵۲۱	۸۵۴۸۹/۲۷۸	۳	۸۵۴۸۹/۲۷۸	۱ رگرسیون
					۱۵۸/۷۴۸	۱۹۶	۳۱۴۳۲/۱۶۴	باقیمانده
۱۴/۳۴۱۲۹	۰/۶۵۲	۰/۸۰۷	۰/۰۰۱	۳۷۰/۴۸۳	۷۶۱۹۸/۲۵۳	۲	۷۶۱۹۸/۲۵۳	۲ رگرسیون
					۲۰۵/۶۷۳	۱۹۷	۴۰۷۲۳/۱۸۹	باقیمانده
۹/۱۸۰۹۷	۰/۲۲۸	۰/۳۴۸	۰/۰۶۹	۹۰/۳۳۵	۵۱۲۸۹/۹۸۷	۱	۵۱۲۸۹/۹۸۷	۳ رگرسیون
					۲۳۰/۴۶۲	۱۹۸	۲۵۶۳۱/۴۵۴	باقیمانده

جدول ۵: تأثیر عوامل پیش بین بر متغیر ملاک (بهزیستی شخصی)

متغیر	B	SEB	Beta	T	sig
سبک تفکر قانونگذار	۱۸/۰۳۵	۰/۷۷۷	۰/۸۵۵	۲۳/۲۰۶	۰/۰۰۱
سبک تفکر قضایی	۱۶/۴۵۲	۰/۸۵۵	۰/۸۰۷	۱۹/۲۴۸	۰/۰۰۱
سبک تفکر اجرایی	-۱۱/۵۳۷	۵/۱۲۲	۰/۲۸۱	-۲/۲۵۳	۰/۰۷۸

## بحث و نتیجه گیری

هدف اساسی پژوهش حاضر بررسی رابطه سبک‌های تفکر دانش‌آموزان دختر دوره متوسطه و پیش‌دانشگاهی با بهزیستی شخصی آنها در سال ۸۸-۱۳۸۷ در شمال شهر تهران بوده است. سبک تفکر در کل دانش‌آموزان به ترتیب از بیشترین به کمترین عبارت بود از: تفکر قانونگذار، اجرایی و قضایی. این ترتیب عیناً در زمینه توزیع فراوانی میانگینهای سبک‌های تفکر دختران صدق می‌کرد. با مقایسه ترتیب تفکرها می‌توان گفت که همه دانش‌آموزان از نظر گرایش خلاق و تحلیل‌گر و در تفکر اجرایی کمتر مجری و مطیع بوده‌اند. بر اساس نتایج این پژوهش، بین تفکر قانونگذار دانش‌آموزان با بهزیستی شخصی آنها همبستگی مثبت و معنادار وجود داشته است که نتایج این مطالعه با یافته‌های پژوهشهای پیشین همسویی دارد (جیتتر و همکاران، ۱۹۹۲ و چن، ۲۰۰۶). به طور کلی فرد دارای تفکر قانون‌گذار مایل است کارها را به شیوه مطلوب خود انجام دهد و خود تصمیم بگیرد که چه کاری را انجام دهد. بنابراین، خود رأی و خلاق است و چندان به حمایت اجتماعی اطرافیان نیاز ندارد (استرنبرگ، ۱۹۹۶؛ به نقل از هییتی، ۱۳۸۱) این نتیجه بیان‌کننده این است که دانش‌آموزان

مورد مطالعه در این پژوهش ریسک‌پذیر و متمرکز بر عواطف نمی‌باشد، بدین معنی که در موقعیت جدید و استرس‌زا هیجان بالایی پیدا نمی‌کند، بلکه خود به دنبال هیجان هستند. که این امر عملاً به خلاقیت آنها می‌انجامد. به این دلیل بر اساس ضرورت‌هایی که بر آنها تحمیل می‌شود، سازوکارهایی به صورت خود‌انگیخته یا خود ساخته در آنها شکل می‌گیرد که نهایتاً به افزایش بهزیستی در آنها منجر می‌شود.

یافته دیگر پژوهش نشان داد که بین سبک تفکر قضایی با بهزیستی شخصی همبستگی مثبت و معنادار وجود داشته که این نتایج با یافته‌های پژوهش‌های پیشین همسویی دارد (فیور، ۱۹۹۹ و جینتر و همکاران، ۱۹۹۲). در کل، فرد دارای سبک تفکر قضایی مایل است قوانین و برنام‌ها را ارزیابی کرده و اموری را ترجیح دهد که در آن عقاید و امور موجود ارزیابی شوند (استرنبرگ، ۱۹۹۶؛ به نقل از هیبتی، ۱۳۸۱). بنابراین، با توجه به نتایج، دانش‌آموزان مورد مطالعه در این پژوهش از محیط سازمان یافته و پیش‌بینی‌پذیر راضی و به دنبال حداقل تغییر هستند و نیز برای پاسخ به درخواست‌های متنوع دنیای پیچیده عصر حاضر، توانمندی بیشماری دارند. همچنین، یافته دیگر پژوهش نشان داد که بین سبک تفکر اجرایی با بهزیستی شخصی رابطه معناداری وجود ندارد که این نتیجه با یافته‌های پژوهش‌های پیشین همسویی دارد (فیور، ۱۹۹۹). پژوهش‌های گوناگون نشان داده است عواملی مانند فرهنگ، سن، رشته تحصیلی، سابقه کار، سبک‌های والدین (سبک‌های تفکر والدین) و غیره، سبک‌های تفکر افراد را تحت تأثیر قرار می‌دهد (امامی پور و سیف، ۱۳۸۲). همچنین تفکر نیز به شخصیت افراد نسبت داده می‌شود (هریسون و برامسون، ۱۹۸۳). و ژانگ (۲۰۰۲) نشان داد که بین سبک‌های تفکر و صفات شخصیتی براساس پرسش‌نامه پنج‌عاملی بزرگ شخصیت تفاوت وجود دارد. علاوه بر این در عین حال که بسیاری از مردم در یک موقعیت از یک سبک تفکر استفاده می‌کنند بسیاری هم به طور همزمان از خط‌های دیگر استفاده می‌کنند (هریسون و برامسون، ۱۹۸۳).

تبیین دیگر در این عامل می‌تواند این باشد که فرد دارای سبک ترکیبی در مواجهه با موقعیت‌ها عقاید جدید را شکل می‌دهد (هریسون و برامسون، ۱۹۸۳). بنابراین، برآوردی دقیق از سبک‌های تفکر یک فرد می‌تواند فراتر از آن چیزی باشد که یک پرسش‌نامه می‌سنجد و همچنین یک فرد می‌تواند به طور ترکیبی از دو یا چند حیطه از سبک‌های تفکر استفاده کند، بدین معنی که فرد ممکن است یک سبک غالب برای تفکر، که در پرسش‌نامه آمده، نداشته باشد



معنادار نشدن این حیطة می‌تواند به این دلیل باشد.

لازم ذکر است که برخی محدودیت‌های پژوهش حاضر تعمیم‌پذیری نتایج آن را محدود می‌کند. اول، شرکت‌کنندگان در این پژوهش همه دانش‌آموزان دختر سه پایه اول و دوم و سوم دبیرستانی و نیز پایه پیش‌دانشگاهی مدارس غیرانتفاعی روزانه شمال شهر تهران (مناطق ۱ و ۲ و ۳) را شامل می‌شود که در سال تحصیلی ۸۸-۱۳۸۷ رسماً ثبت نام کرده و به صورت حضوری مشغول به تحصیل بودند. لذا هر چند دلایلی برای تفاوت معنادار آنها با سایر دانش‌آموزان در دست نیست با این حال در تعمیم نتایج به سایر دانش‌آموزان باید جانب احتیاط رعایت شود. دومین محدودیت پژوهش همسان نبودن دانش‌آموزان از لحاظ زمینه‌های فرهنگی - اجتماعی و خانوادگی و فقدان کنترل آن بود که می‌تواند در تعمیم‌پذیری نتایج مؤثر باشد. در مجموع، نتایج پژوهش حاضر نقش با اهمیت متغیر درون فردی مستقل از توانایی (یعنی سبک تفکر) را در قلمرو بهزیستی شخصی نشان می‌دهد. توجه به جنبه‌های کاربردی پژوهش حاضر نیز اهمیت جالب توجهی دارد. در این راستا معلمان می‌توانند با آموزش و ارزیابی یادگیرندگان به شیوه‌هایی که امکان تفکر پیچیده و خلاق را فراهم کند زمینه رشد اشکال خلاق و پیچیده سبک تفکر را در دانش‌آموزان به وجود آورند. بدون تردید اگر معلمان استفاده از ابعاد خلاق و پیچیده سبک تفکر را تشویق و ترغیب کنند، یادگیرندگان احساس خودارزشی و اعتماد به نفس بیشتر و نهایتاً بهزیستی شخصی بالاتری خواهند داشت. علاوه بر این معلمان می‌توانند تکالیفی را برای یادگیرندگان طراحی کنند که نیاز به مواجهه عمیق را در آنها پیروانند. در این راستا پیشنهاد می‌شود در محیطی مشابه، انواع سبک‌های تفکر را با بهزیستی شخصی با در نظر گرفتن عواملی مانند فرهنگ، تحصیلات والدین، جنسیت، خرده فرهنگ‌های قومی، محلی و... در دیگر استانهای کشور اجرا کنند تا زمینه تطبیق نتایج پژوهشها فراهم شود. همچنین با توجه به کمبود شدید تحقیقات بنیادی در زمینه سبک‌های تفکر و بهزیستی شخصی و جنبه‌های گوناگون آن در ایران، توصیه می‌شود به متغیرهایی مانند رشته تحصیلی، وضعیت تأهل، تیپ شخصیتی و به ویژه زمینه‌های فرهنگی - اجتماعی، خانوادگی، در مطالعات مربوط به سبک‌های تفکر، توجه کنند.

## منابع

- آقا یوسفی، علیرضا، (۱۳۸۴). مقایسه فشار روانی و پیامدهای آن در خانواده‌های شاهد و ایثارگر/استان قم، سازمان بنیاد شهید و امور ایثارگران انقلاب اسلامی استان قم، اداره مطالعات و جمع آوری آثار.
- آقا یوسفی، علیرضا و نسیم شریف، (۱۳۸۵). برآورد مقدماتی میزان پایایی و روایی نشانگر بهزیستی شخصی - مقیاس نارسایی‌های شناختی و نشانگر بهزیستی شخصی - مقیاس بزرگسالان در کودکان عقب مانده‌ی ذهنی و مادران آنها، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه پیام نور تهران.
- استرنبرگ، جی. رابرت، (۱۳۸۱). سبکهای تفکر، ترجمه علاءالدین اعتمادی اهری و علی اکبر خسروی، چاپ دوم، تهران، دادار.
- اسکیمودر، ویلیام، (۱۳۷۲). تفکر نظری در جامعه شناسی، ترجمه محمد مقدس و همکاران، چاپ اول، تهران، سفیر.
- اکبر زاده، مریم، (۱۳۸۵). بررسی عوامل شخصی و تحصیلی مرتبط با سبکهای تفکر و رابطه آن با پیشرفت تحصیلی دانشجویان دانشگاه شهید باهنر کرمان، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید باهنر کرمان.
- امامی پور، سوزان و علی اکبر سیف، (۱۳۸۲). بررسی تحولی سبکهای تفکر در دانش‌آموزان و رابطه آنها با خلاقیت و پیشرفت تحصیلی، فصلنامه نوآوری آموزشی، شماره ۳، سال دوم، بهار ۸۳، ص ۵۶-۳۵.
- پیر حسین لو، علی، (۱۳۸۳). مدرسه در نظام صنعتی، ماهنامه خبری- آموزشی - پژوهشی، پژوهشنامه آموزشی متعلق به پژوهشکده تعلیم و تربیت. شماره ۱۱۷، سال هجدهم.
- تریسی، دکلان، (۱۳۸۱). مدیریت زمان - فن مهار کردن زمان در یک هفته، ترجمه بنفشه نمازی، چاپ اول، تهران، کیفیت و مدیریت.
- فرخی، نورعلی، (۱۳۸۳). اثر مشترک راهبردهای یادگیری و سبکهای تفکر و درک مطلب دانش‌آموزان سوم راهنمایی شهر تهران، پایان نامه دکتری، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه علامه طباطبایی.

کاستلز، مانوئل، (۱۳۸۰). *عصر اطلاعات: اقتصاد، جامعه و فرهنگ - قدرت هویت*، ترجمه حسن چاوشیان، جلد دوم، چاپ دوم، تهران، طرح نو.

مهدوی راد، حجت، (۱۳۸۱). *بررسی رابطه خلاقیت با سبک‌های تفکر دانش‌آموزان متوسطه رشته هنر مدارس شهر تهران*، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده روان‌شناسی و علوم اجتماعی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی.

هیبتی، خلیل، (۱۳۸۱). *بررسی شیوه‌های فرزندپروری والدین و رابطه آن با شیوه‌های مقابله با استرس دانش‌آموزان دختر و پسر سال سوم دبیرستانهای شهر زرقان*، پایان نامه منتشر نشده کارشناسی ارشد روانشناسی تربیتی، دانشگاه شیراز.

یاری، کسری، (۱۳۷۸). *مقایسه سبک‌های تفکر دبیران زن و مرد مقطع متوسطه مورد مطالعه فیروزآباد در سال تحصیلی ۸۳-۸۲*، پروژه تحقیقاتی کارشناسی ارشد، رشته مدیریت آموزشی، مرکز آموزش و پژوهش سازمان مدیریت و برنامه ریزی استان فارس.

- Atkinson, S. (1998).** Cognitive styles in context of design and technology. *Project work: Educational Psychology, An international Journal of experimental Educational Psychology*, 18 (2), 183-194.
- Boody, M.J, (2005).** Using systems-thinking in health and social care practice, *Working in Health and Social Care*, , 23-39.
- Brown, G.W, Andrews, B, Harris, T., Adler, Z & Bridge, L,(1986).** Cosial Suport Self – esteem and Depression , *Psychological Medicine* , 16 , 813 – 831.
- Chen, I, (2006).** Thinking big about Health, *Cell*,124, 661-663.
- Chin, j, (2004).** *Volunteer's satisfaction and subjective wellbeing among prosocial individuals*, graduate diploma of Psychology, School of Psychology, Deakin University, p:26.
- Cummins, R. A, (2005).** *Personal Wellbeing Index – Adult* , *The Australian Center on Quality of Life* , Deakin University ,(2 nd ed.) 9-12.
- Davern, M, (2004).** *Subjective Well – Being as an affective construct*, B.Sc. Dissertation, School of Psychology, Deakin University, 53 - 54.
- Davey, B, (2004).** *Failure of Homeostatic Subjective Well – Being as a model for Depression: An Empirical study*, Graduate Diploma of Psychology, School of psychology, Deakin University, 2-5.
- Diener, E, (1999).** Subjective well-being and personality, In D. F. Barone, M. Hersen & V. B. Van Hasselt (Eds.), *Advanced Personality* (pp. 311-334). NY: Plenum Press.
- Feuer, L, (1999).** The Health care and executive's thinking , *The Case Manager*,10, 20-21.

- Ginter, P.M, Duncan, W.J & Capper, S.A, (1992).** Keeping thinking styles: analysis of public health, *Public Health*, 102, 253-269.
- Goldberg, L. R, (1992).** The Development of Markers of the Big Five Factor Structure. *Psychological Assessment*, 4, 26-42.
- Joronen, K, (2005).** *Adolescent's Subjective Well – Being in their social context* , research project , Department of nursing science finland , Tampere University , p: 9 - 12.
- Harrison A.f & Bramson R. M, (1983).** *The Art of Thinking*, NewYork, Berkly.
- King, K, (2001).** *The Subjective Quality of life people with ms and their partners*, Doctor Dissertation, School of psychology, Deakin University, 9 – 10.
- Leischow, S.J, Best, A, Trochim, W.M, Clark, P.I, Gallagher, R.S, Marcus, S.E & Matthews, E, (2008).** Systems Thinking to Improve the Public's Health, *American Journal of Preventive Medicine*, 35, 196-203.
- Li Fang, Z, (2004).** Thinking styles and cognitive development, *Journal of Genetic psychology*, 163(2), 179-195.
- O'conor , R, (1993).** *Issue in the Measurement of Health Related Quality of life*, working paper, National center for health program evaluation , p: 12.
- Paschall, M.J & Fishbein, D.H, (2002).** Executive Thinking cognitive functioning and aggression: a public health perspective, *Aggression and Violent Behavior*, 7, 215-235.
- Schmid, H, (2001).** Theory and Practice: Thinking Styles in engineering and science. Australian Journal of Information Systems, *Special issue on knowledge management* , pp.106-115 , December2000.
- Staples, M, (2004).** *The Relationship of volunteerism and perceived control to personal neighbourhood Well – Being*, B.Sc dissertation , School of psychology, Deakin University. P. 2.
- Sternberg, R. J, (1997).** *Thinking Styles*, New York, Cambridge University Press
- Sternberg, R. J & Grigorenko, E.L, (1998).** Are Cognitive still in styles? *American Psychologist*, 52,(7), 700-712.
- Sternberg, R. J & Wagner, P. K, (1991).** *Thinking Styles Inventory*, (unpublished manuscript, Yale University.
- Uliando , A.E, (2004).** *Predictors of General and Daily Subjective Well – Being* , B.Sc.Dissertation , School of Psychology , Deakin University ,p: 2-3.
- Weng , J, (1999)** Thinking styles. <<http://www.thesys.com>> Reviewal Administrator thesys versional.3.2. Electrical thesys ethesys.lib.cyut.edu.tw/etd-db/etd search/search.
- Zhang, L. F,(2002).** Thinking Styles and the Big Five Personality Traits, *Educational psychology*, Volume 12, number 1, pp. 17-31.
- Zhang, L. F, (2004).** Revisiting the predictive power Thinking Styles for academic performance, *Journal of psychology* , 138, 351-370.